

### اِخْشِیدِیَان: خاندانی حکومت‌گر در مصر و شام و بانفوذ در حرمین (حک: ۳۲۳ – ۳۵۸ق.)

بنیان‌گذار حکومت اِخْشِیدِیَان، ابوبکر محمد بن طُغْج بن جُف معروف به اِخْشِید (حک: ۲۶۸-۳۳۴ق.) بود. وی کانون قدرت اِخْشِیدِیَان بود و پس از او سیر نزول و سقوط این خاندان آغاز شد.

اِخْشِید به معنای درخشان یا فرمانروای فرمانروایان است. این لقب، عنوان حکمرانان ایرانی سغد و فرغانه بوده<sup>۱</sup> و نخستین بار از سوی الرازی عباسی (حک: ۳۲۲-۳۲۹ق.) به محمد بن طغج داده شد.<sup>۲</sup> ابوبکر اِخْشِیدی از خانواده‌ای ترک از آسیای مرکزی برآمد.<sup>۳</sup> جدش، جُف بن یلتکین/ بلتکین، از فرغانه در آسیای مرکزی و در زمره غلامان برگزیده معتصم (حک: ۲۱۸-۲۲۷ق.) خلیفه عباسی بود.<sup>۴</sup> طُغْج بن جف در شمار فرماندهان سپاه طولونی‌ها جای داشت که از سوی خُمارویه (حک: ۲۷۰-۲۸۲ق.) بر شام ولایت یافت. وی در سفر به بغداد، به خشم وزیر بغداد عباس بن حسن گرفتار گشت و همراه فرزندش محمد

به زندان افتاد و همان جا مُرد. اما فرزندش آزاد شد. بعدها محمد بن طُغْج با کمک برادرش عبیدالله بن طغج، انتقام پدر را گرفت و وزیر بغداد را کشت و به شام گریخت و به خدمت احمد بن بسطام (م. ۲۹۷ق.) حکمران شام درآمد.<sup>۵</sup> محمد بن طغج در نبرد با خلیفه فاطمی مغرب نقش داشت. پس از چندی، خلافت عباسی بغداد، حکمرانی شام را در سال ۳۱۸ق. و مصر را در سال ۳۲۱ق. به وی سپرد.<sup>۶</sup> سپس ابن رائق، امیر الامرای خلیفه بغداد، کوشید به سلطه اِخْشِیدِیَان بر شام پایان دهد.<sup>۷</sup> پس از چند نبرد، موقعیت ابوبکر اِخْشِیدی ثبات بیشتر یافت و میان دستگاه خلافت و اِخْشِیدِیَان صلح برقرار شد و حکمرانی ابوبکر اِخْشِیدی بر مصر و شام در عوض پرداخت سالیانه ۱۴۰/۰۰۰ دینار طلا پذیرفته گشت.<sup>۸</sup>

در سال ۳۳۲ق. محمد بن طغج به دیدار متقی خلیفه عباسی آمد که نزد حمدانیان حلب گریخته بود و با اصرار از او خواست که به مصر بیاید.<sup>۹</sup> برخی گفته‌اند که هدف ابوبکر از این پیشنهاد، آماده کردن زمینه انتقال خلافت به

۵. وفیات الاعیان، ج ۵، ص ۵۷.

۶. تاریخ دمشق، ج ۵، ص ۱۸۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۵۰۸.

۷. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۵۰۷؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۴، ص ۵۷.

۸. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۹۸؛ البدایة و النهایه، ج ۱۱، ص ۲۱۷.

۹. الکامل، ج ۸، ص ۴۱۸.

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۶۵.

۲. سلسله‌های اسلامی جدید، ص ۱۳۷-۱۳۸.

۳. سلسله‌های اسلامی جدید، ص ۱۳۷.

۴. تاریخ الاسلام، ج ۲۵، ص ۱۱۱-۱۱۲، الوافی بالوفیات، ج ۳.

ص ۱۴۲؛ نک: سلسله‌های اسلامی جدید، ص ۱۳۷.

که وضع سیاسی به سود او رقم می‌خورد.<sup>۹</sup> سیف‌الدوله با همراهی حکمران حلب، وارد این شهر شد و سپس در اندیشه تصرف دمشق برآمد. لشکر اخشیدیان در آغاز با شکست روبه‌رو شد<sup>۱۰</sup>؛ اما سرانجام با ترفندهای آنان، سیف‌الدوله نتوانست وارد شهر شود و میانشان پیمان صلح برقرار شد و سیف‌الدوله دختر برادر اخشید را به همسری گرفت.<sup>۱۱</sup> با توجه به عواملی همچون تهدیدهای بیزانسی‌ها در نزدیکی مصر، خلافت نوپای فاطمی در مغرب، و بیم از خلافت عباسی بغداد، واقع‌بینی دولت اخشیدیه در این مصالحه آشکار است.<sup>۱۲</sup>

◀ **اخشیدیان و حرمین:** تاریخ‌نگاران، زمان نفوذ اخشیدیان در مکه و حکمرانی بر آن را به دقت مشخص نکرده‌اند. گویا این اتفاق در سال ۳۳۱ق. رخ داده باشد.<sup>۱۳</sup> پیش از اخشیدیان، فرماندهان ترک بر حرمین حکمرانی داشتند که در دستگاه خلافت عباسی به قدرت رسیده بودند؛ از جمله عَج بن حاج\*، مونس مظفر، ابن مُلاحظ و ابن مُحارب\* که در سال‌های نزدیک به سلطه اخشیدیان، حرمین

مصر بود؛ کاری که موجب می‌شد اخشیدیان زیر لوای خلیفه بازیچه آن‌ها، بر دنیای اسلام حکومت کنند.<sup>۱</sup>

محمد بن طغج، شجاع<sup>۲</sup> و مستبد و قدرت‌طلب بود.<sup>۳</sup> او در ذی‌حجه سال ۳۳۴ق. در گذشت<sup>۴</sup> و پسرش ابوالقاسم اُنجور (م. ۳۴۹ق.) با سرپرستی کافور اخشیدی به حکومت رسید. سپس برادرش علی (م. ۳۵۵ق.)<sup>۵</sup> حکومت یافت. اما قدرت واقعی و حکومت مصر به طور کامل در دست کافور بود<sup>۶</sup> و او توانست تهدیدهای فاطمیان در سراسر مرز آفریقای شمالی و حمدانیان در شمال شام را دفع کند.<sup>۷</sup> اندکی پس از مرگ کافور، حکومت اخشیدیان به دست فاطمیان در سال ۳۵۸ق. برافتاد.<sup>۸</sup>

تهدیدهای حمدانیان باعث شد اخشیدیان به جای توجه به تهدید آشکار فاطمیان مغرب، به فکر رویارویی با سیف‌الدوله حمدانی باشند

۱. دولت حمدانیان، ص ۲۴۴.
۲. شذرات الذهب، ج ۴، ص ۱۸۸؛ النجوم الزاهره، ج ۳، ص ۲۱۱.
۳. مقاتل الطالبیین، ص ۴۴۸؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۵، ص ۱۱۲؛ الوافی بالوفیات، ج ۳، ص ۱۴۲.
۴. التنبیه و الاشراف، ص ۱۶۵؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۵، ص ۳۰.
۵. تاریخ دمشق، ج ۴۸، ص ۲۱۵.
۶. الوافی بالوفیات، ج ۲۴، ص ۲۳۱.
۷. الکامل، ج ۸، ص ۴۵۷؛ وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۹۹-۱۰۰؛ سلسله‌های اسلامی جدید، ص ۱۲۸.
۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۲۳-۲۲۴؛ تاریخ دمشق، ج ۱۳، ص ۱۳۰.

۹. الکامل، ج ۸، ص ۴۴۵.
۱۰. تاریخ دمشق، ج ۴۳، ص ۲۱.
۱۱. تاریخ امراء مکه، ص ۳۸۴.
۱۲. دولت حمدانیان، ص ۲۴۷.
۱۳. افادة الانام، ج ۳، ص ۷۱-۷۲؛ تاریخ مکه، ص ۲۲۷.

را اداره می‌کردند.<sup>۱</sup> حکمرانی اخشیدیان بر حرمین در روزگار سه تن از خلفای عباسی یعنی متقی (حک: ۳۲۹-۳۳۳ق.)، مستکفی (حک: ۳۳۳-۳۳۴ق.) و مطیع (حک: ۳۳۴-۳۶۳ق.) بوده است.

اخشیدیان از استیلا بر مکه، برای تقویت پایگاه معنوی خود در میان مسلمانان سود می‌بردند.<sup>۲</sup> در ۳۳۱ق. متقی عباسی فرمان حکمرانی محمد بن طغج را بر حرمین، شام و مصر نوشت.<sup>۳</sup> همچنین برای دو فرزند خردسالش، ابوالقاسم أنجور و ابوالحسن علی، پس از وی عقد ولایت حرمین بست و مقرر شد کافور اخشیدی، خادم او، کفالت آنان را عهده‌دار شود.<sup>۴</sup> به گزارش فأسی، ولایت اخشیدیان بر حرمین، از سوی متقی عباسی بوده<sup>۵</sup> و نه مکتفی عباسی، چنان‌که در برخی منابع آمده است.<sup>۶</sup>

در آغاز حکومت ابوبکر اخشیدی و نیز پیش از آن، وضع سیاسی مکه آرام و با ثبات نبود. در پی ستیز میان او و بنی‌رائق و نیز تعطیلی چندین ساله حج در میان سال‌های ۳۳۲

تا ۳۳۸ق. این اوضاع ناآرام سیاسی، سخت‌تر و وخیم‌تر گشت. از رخدادهای روزگار اخشیدیان، نبردی بود که میان سال‌های ۳۳۰ تا ۳۳۵ق. میان محمد بن طغج و قرمطیان\* روی داد. اخشیدیان توانستند حجرالاسود را پس از گذشت نزدیک به دو دهه از انتقال آن به منطقه هَجَر بحرین، باز گردانند.<sup>۷</sup> در منابع تاریخی از پرداخت بیش از ۵۰ هزار دینار برای بازگرداندن حجرالاسود یاد شده؛ اما به نظر می‌رسد زمینه اصلی این رویداد، پیروزی اخشیدیان و ناتوانی قرمطیان بود و بدین سان، مصالحه با آنان به گونه مقتدرانه صورت گرفت. گفتنی است که تلاش حکومت‌ها و سیاستمداران در سال‌های پیش برای قبولاندن این کار به سران قرمطیان به جایی نرسیده بود.<sup>۸</sup> در سال ۳۴۰ق. میان امیر حج بغداد، عمر بن یحیی علوی، با کاروان مصر به امیری فرزند ابوبکر اخشیدی که از جانب کافور تجهیز شده بود، درگیری سختی رخ داد که به پیروزی مصریان انجامید. این پیروزی آغاز نفوذ مصریان در حرمین و ضعف سلطه عباسی قلمداد شده است.<sup>۹</sup> البته در نبردهای میان سال‌های ۳۴۱-۳۴۳ق. عراقیان پیروز می‌شدند؛ اما در سال‌های بعد ابن طغج اخشیدی بر

۱. تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ۱۳۹؛ الکامل، ج ۸، ص ۱۱-۱۲؛ افادة الانام، ج ۳، ص ۷۱.  
 ۲. نک: تاریخ مکه، ص ۲۲۸.  
 ۳. تاریخ امراء مکه، ص ۳۸۳.  
 ۴. تاریخ مکه، ص ۲۲۷.  
 ۵. شفاء القرام، ج ۲، ص ۲۳۰؛ امراء البلد الحرام، ص ۲۶-۲۷.  
 ۶. افادة الانام، ج ۳، ص ۷۲.

۷. تاریخ امراء مکه، ص ۳۸۵.  
 ۸. نک: تاریخ مکه، ص ۲۲۱؛ تاریخ امراء مکه، ص ۳۸۵.  
 ۹. منائح الکرم، ج ۲، ص ۲۰۰-۲۰۱؛ تاریخ امراء مکه، ص ۳۸۶.

به مکه فرستادند و سپاه و سلاح فراهم کردند تا مکه را از سلطه اخشیدیان رها سازند. میان این دو علوی با اخشیدیان نبردی روی داد و اخشیدی‌ها پیروز شدند. در سال ۳۴۳ق. نیز در نبردی دیگر اخشیدیان به پیروزی رسیدند. در این دوران، یکی از نام‌آورترین نقیبان طالبی‌ها، ابواحمد موسوی\* پدر شریف رضی بود که سال‌های پیاپی در رأس گروهی از علویان، امارت حج عراق را عهده‌دار بود. از دیدگاه سباعی، تاریخ‌نگار مکه در روزگار ما، عباسیان با این اقدام کوشیدند تا از نفوذ شخصیت او در میان قبایل، برای بهبود وضع سیاسی مکه بهره برند؛ ولی در این کار توفیق نیافتند؛ زیرا حکومت اخشیدیان در مکه ریشه‌دار شده بود.<sup>۴</sup>

در روزگار کافور اخشیدی، روابط مصر و مدینه تقویت شد. برخی از اشراف حسینی با کافور مراودات نزدیک داشتند؛ از جمله محمد بن عبدالله بن طاهر، ملقب به مسلم، که از دوستان کافور بود و توجه او را به مدینه جلب کرد. به سبب همین ارتباط‌ها، کافور عطایا و صدقات فراوان به مردم مدینه می‌داد.<sup>۵</sup> ولایت اخشیدیان بر مدینه، ظاهری بود و آنان در نصب و برکناری امیران و حاکمان مدینه نقش نداشتند و در اداره شهر دخالت

اوضاع مسلط گشت. این درگیری‌ها که در روزگار نفوذ آل بویه بر دستگاه خلافت رخ داد، بر سر خواندن خطبه و نماز در منا بوده است. هواداران معزالدوله بُویهی از نماز گزاردن و خطبه خواندن اخشیدیان در منا پیشگیری کردند و آن‌ها نیز از ورود کاروان عراق به مکه و برگزاری مناسک جلوگیری نمودند.<sup>۱</sup> از آن‌جا که بردن نام حاکمان بر منبر حرمین بیانگر قدرت و اهمیت آنان بود، حاکمان اخشیدی بسیار می‌کوشیدند تا این مایه قدرت را برای خود حفظ کنند. نامه ابوبکر اخشیدی به امپراتور روم که در آن به شرافت حکمرانی بر حرمین اشاره کرده، از همین حقیقت حکایت دارد.<sup>۲</sup>

برخی با بررسی ناپایداری سیاسی مکه در آغاز سلطه اخشیدیان، به این نتیجه رسیده‌اند که مکه پس از سلطه اخشیدی‌ها، بر اثر نبرد و وحشت، گرفتار همان دشواری‌های پیشین بود.<sup>۳</sup> عباسیان و اثرگذاران بر قدرت سیاسی عراق از اوضاع مکه ناراضی و در صدد بودند تا نفوذشان را در آن‌جا برقرار سازند. از این رو، در سال ۳۴۲ق. دو تن از علویان به نام ابوالحسن محمد بن عبدالله و ابوعبدالله احمد بن عمر بن یحیی را برای سرپرستی حج عراق

۱. الدرر الفرائد، ج ۱، ص ۳۲۸؛ تاریخ امراء مکه، ص ۳۸۷.

۲. تاریخ مکه، ص ۲۲۷-۲۲۸.

۳. نک: تاریخ مکه، ص ۲۲۸.

۴. تاریخ مکه، ص ۲۲۸.

۵. التاريخ الشامل، ج ۲، ص ۱۳۱.

نمی‌کردند. آن‌ها در ستیزهای سیاسی میان اشراف حسنی و حسینی، سیاستی خاص نداشتند.<sup>۱</sup> در سال ۳۴۸ق. بر اثر همین بی‌توجهی و ضعف اخشیدیان، میان این سادات و اشراف نبردی رخ داد.<sup>۲</sup>

درباره حکمرانانی که از سوی اخشیدی‌ها بر مکه حکومت کردند، آگاهی‌های کافی نداریم و بخشی از همین آگاهی‌ها هم پیراسته از ناسازگاری نیست. تاریخ‌نگاری آگاه چون تقی الدین فاسی می‌نویسد که حکمرانان منصوب از سوی اخشیدیان بر حرمین را نمی‌شناسد.<sup>۳</sup> گزارش فاسی (م. ۸۳۲ق.) به این معناست که اخشیدیان حکمرانانی بر حرمین نگماشتند و ولایت خود آن‌ها هم صوری بوده است. در گزارش‌های دیگر، بر این ویژگی ولایت اخشیدیان بر حرمین تصریح شده است.<sup>۴</sup> برابر این داوری، گزارش ابن ظهیره قرشی نشان می‌دهد که در سال ۳۳۸ق. قاضی ابوجعفر محمد بن حسن عباسی ولایت مکه را از سوی علی بن اخشید عهده‌دار گشت.<sup>۵</sup>

درباره امرای حج روزگار اخشیدیان و درگیری‌ها و مشکلات آن دوران، گزارش‌هایی

در منابع بازتاب یافته‌اند. از جمله، از امارت حج عمر بن حسن عباسی، قاضی مکه در سال‌های ۳۲۱ تا ۳۳۴ق. یاد شده و گفته‌اند که در برخی از این سال‌ها به سبب هراسی که قرمطیان پدید آورده بودند، کاروانی از عراق به حج نمی‌آمد.<sup>۶</sup>

به رغم استواری پایه‌های دولت اخشیدی در مکه، اعراب بنوسلیم در سال ۳۵۶ق. بر آنان شوریده، حاجیان مصری را غارت کردند و امیرشان را کشتند. بر پایه برخی گزارش‌ها، پیش از فاطمیان، جعفر بن محمد از بنوموسی در سال ۳۵۶ یا ۳۵۸ق. به سلطه اخشیدیان پایان داد و مکه را تصرف کرد.<sup>۷</sup> به این ترتیب، حکومت مکه پس از اخشیدیان، به اشراف بنوحسن (موسویان، سلیمانیان، هوشم و بنوقتاده) رسید.<sup>۸</sup>

#### ◀ منابع

افادة الانام: عبدالله بن محمد الغازی (م. ۳۶۵ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، مکتبة الاسدی، ۱۴۳۰ق؛ امراء البلد الحرام: احمد زینی دحلان (م. ۱۳۰۴ق.)، بیروت، الدار المتحدة للنشر؛ البداية و النهاية: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به کوشش

۱. تاریخ الشامل، ج ۲، ص ۱۳۱.

۲. الدرر الفرائد، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۷.

۳. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۳۱.

۴. تاریخ الشامل، ج ۲، ص ۱۳۰.

۵. الجامع اللطیف، ص ۲۶۵؛ مناجح الکریم، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۲، افادة

۸. الانام، ج ۳، ص ۷۲.

۶. الدرر الفرائد، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۷.

۷. افادة الانام، ج ۳، ص ۷۵.

۸. افادة الانام، ج ۳، ص ۷۴.

الکرم فی اخبار مکة: علی بن تاج الدین السنجاری (م. ۱۲۵ق.)، مکة، جامعة ام القرى، ۱۴۱۹ق؛ النجوم الزاهرة: ابن تغری بردی الاتابکی (م. ۸۷۴ق.)، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنووط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق؛ وفیات الاعیان: ابن خلکان (م. ۶۸۱ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.

علی احمدی میرآقا



## اخلاص ← نیت

## اخوان: مجموعه‌ای از قبایل بدوی عرب، پیرو سرسخت وهابیت و بازوی نظامی آل سعود

در دوره سوم به قدرت رسیدن آل سعود که به تشکیل حکومت سعودی و نابودی حکومت‌های محلی آل رشید و هاشمیان در جزیره عربی و یکپارچگی حکومت آن انجامید (← آل سعود)، افرادی از قبایل بدوی عرب که با دل و جان به مذهب وهابیت گرویده بودند، به حمایت و پشتیبانی از آل سعود و گسترش این مذهب پرداختند که به «اخوان» به معنای برادران یا «اخوان التوحید» شناخته شدند. اوج فعالیت آنان میان سال‌های

خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ الشامل للمدينة المنورة: عبدالباسط بدر، ۱۴۱۴ق؛ تاریخ امراء مكة المكرمة: عارف عبدالغنی، دار البشائر، ۱۴۱۳ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ مدينة دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ تاریخ مکة از آغاز تا پایان دولت شرفای مکة: احمد السباعی (م. ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ التنبیه و الاشراف: المسعودی (م. ۳۴۵ق.)، بیروت، دار صعب؛ الجامع اللطیف: ابن ظهیر (م. ۹۶۰ق.)، به کوشش علی عمر، مکتبة الثقافة الدینیة، ۱۴۲۳ق؛ الدرر الفرائد المنظمه: عبدالقادر بن محمد الجزیری (م. ۹۷۷ق.)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق؛ دولت حمدانیان: فیصل سامر، ترجمه: ذکاوتی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ش؛ سلسله‌های اسلامی جدید: ادموند باسورث، ترجمه: بدره‌ای، فجر اسلام، ۱۳۸۱ش؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن العماد (م. ۱۰۸۹ق.)، به کوشش الارنووط، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق؛ شفاء الغرام: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ مقاتل الطالبیین: ابوالفرج الاصفهانی (م. ۳۵۶ق.)، به کوشش مظفر قم، دار الکتب، ۱۳۸۵ق؛ منائح